

شجاع باشید! تو تحت اراده خدا هستی

ارمیا ۱، ۴ - ۱۰



کلام خداوند بر من نازل شده و گفتم: 5 «پیش از آنکه تو را در رحم دهنده، نقش بندم، تو را شناختم، در اینجا حاوی مفهوم گزینش نیز هست. و پیش از آنکه به دنیا بیایی، تو را جدا کردم، و تو را بر قومه نبی قرار دادم.» 6 «آنکه گفتم: «آه، ای خداوندگار یهوه، اینک من سخن گفتن را نمی دانم، زیرا جوانی بیش نیستم!» 7 اما خداوند مرا گفت: «مگو، "جوانی بیش نیستم"، زیرا نزد هر کس که تو را بفروسم، خواهی رفت، و هرآنچه تو را امر فرمایم، خواهی گفت. 8 از ایشان مترس، زیرا من با تو هستم تا رهایی ات بخشم.» این است فرموده خداوند. 9 «آنکه خداوند دست خود را پیش آورده، دهانم را لمس کرد و خداوند مرا گفت: «اینک کلام خود را در دهانت نهادم. 10 بدان که امروز تو را بر قومه و حکومتها برگماشتم، تا از ریشه برگینی و منهدم نمایی، هلاک کنی و سرنگون سازی، بنا کنی و غرس نمایی.»

آیا جوان هستید؟ آیا احساس می کنید که کلمه‌ی تو، در مراکز فریاد بلند جهان، بی اعتبار است و به هیچ وجه به گوش نمی رسد؟ آیا احساس می کنید که نباید صحبت کنید، مبدا به عنوان یک متعصب آن را نشان بدهید؟ اگر چنین است، باید امروز با دقت گوش فرا دهید. زیرا یکی از پیامبران بزرگ خدا دقیقاً این احساس را داشت: "ای پروردگارا، من خیلی جوان هستم." او گفت. خدا مجبور بود به پیامبر خود کمک کند. خدا مجبور بود راه اعتماد جدید را به او نشان داد. و درست همانطور که ارمیا مجبور شد آن را بیاموزد، بنابراین ما باید آن را بیاموزیم. خدا باید راه اعتماد جدید را به ما یاد دهد: و خدا این کار را با سه نکته زیر انجام داد:

- از کدام اقتدار صحبت می کنیم.
- چگونه می توانیم کورکورانه اعتماد کنیم.
- و ما از کجا نیرو می گیریم که با بدترین چالش ها روبرو شویم.

اگر امروز از کسی بپرسید از کجا مطالبه برای این یا آن اظهار گرفت، خیلی ها با غرور ایستاده و می دانند چه بگویند: همه دانشمند مشهور را می شناسند، همگی از یک یا آن گوروی معروف علاقه دارند. و بدتر از همه، کسانی هستند که همه چیز را بر روی یک کارت قرار می دهند: "من به صدای درونی اعتماد دارم" آنها ادعا می کنند یا آنها می گویند "من به خدا در درون من ایمان دارم..." حتی اگر درست باشد که خدا از طریق مردم صحبت می کند، این کلام خدا هیچ وقت بر شخص دیگر تسلط ندارد. این کار از طریق ارمیا به طرز چشمگیری نشان داده شده است. در ابتدا ارمیا اعتماد به نفس نداشت و فقط یک چیز را خوب می دانست. و این که او هیچ چیزی نمی دانست و از همه چیز ناتوان بود. خدا مجبور بود ارمیا را تغییر دهد. خدا به ارمیا می گفت: "این کار را مربوط به آنچه شما می توانید انجام دهید یا آنچه هستید ... نیست." "این فقط مربوط به این کار است که شما را می شناسم. درمورد این است که من از ابتدا شما را می شناختم و اکنون شما را می شناسم. مطمئناً مسئله‌ی ارمیا نیست که از تجربه عمیق و طولانی خود می دانست. نه! آنچه قرار بود اتفاق بیافتد این بود که کلام خدا باید فعال شود. ارمیا بعداً نوشت: "کلام خدا به من رسید". چه شگفت انگیز است که کلام فعال خدا امروز نیز با ما صحبت می کند: کلام که امروز می تواند به ما قدرت و آسایش برساند: از یک طرف ما شاهد چالش های عظیم دنیای روبرو ایستاده ایم، از طرف دیگر ما اصلاً هیچ چیزی را نمی دانیم. بعضی از ما خیلی جوان یا خیلی پیر، خیلی بی سواد، و بعضی بیمار هستند... دلایل زیادی وجود دارند و می دانیم که در مورد چالش های بزرگی که پیش رو داریم، نمی توانیم کاری انجام دهیم... و با این حال کلام خدا در بین ما اتفاق می افتد! کلام خدا تاریخ را می سازد! خداوند نیز بالاتر از چالش های سیاسی و اجتماعی دنیای ما است. در پایان، دیکتاتور روی تخت ننشسته، اما خدا در آنجا نشسته است و این خدا، نه تنها کل جهان و مشکلات جهان را می شناسد بلکه او شما را نیز می شناسد. او شما را شخصاً می شناسد. او در مورد اشتباهات بسیاری نیز می داند و از ضعف شما اطلاع دارد. و به همین دلیل است که او در کنار شما ایستاده است! بنابراین اگر می خواهیم دهان خود را باز کنیم و صحبت کنیم مطمئناً به این دلیل نیست که فکر می کنیم از همه بهتر و باهوش تر هستیم، بلکه دلیل کاری است که ما انجام می دهیم فقط یکی است: ما می خواهیم کلام خدا را که از روز اول خلقت وجود داشته است در دهان خود بگذاریم و اعلام کنیم: خدا آنچه را که وعده داده است انجام می دهد.

چرا می توانیم به این کلمه کورکورانه اعتماد کنیم؟ ما می توانیم این کار را انجام دهیم زیرا خداوند نه تنها آن را می خواهد بلکه این کار را نیز انجام می دهد. این خواست خدا بود که آدم و حوا باید زندگی کنند. به همین دلیل است که خدا آنها را با عشق فراوان شکل داد و نفس شخصی خود را در آنها نفس کشید. خدا آنها را می خواست! و خدا ما را نیز می خواهد! برخلاف والدینی که از تولد نامناسب فرزندشان شکایت می کنند زیرا پول ندارند یا به دلیل این رابطه دشوار بوده است، خداوند شکایت نمی کند که ما در اینجا هستیم. شما از ابتدا در برنامه ای او بودید. نه تنها روز و ساعت تولد شما قرار دارد بلکه هر روز کاملاً در برنامه خود یکپارچه هستید و خدا شما را دقیقاً همانگونه که شما ساخته است می خواهد. فرقی نمی کند که همه ما مانند ارمیا پیامبر باشیم. همه ما به عنوان پیامبر خوانده نمی شویم! اما هر کدام از ما یک حرفه ای مخصوص از طرف خدا داریم! به نظرم خداوند از افرادی را انتخاب کرد که دیگران از آنها انتظار هیچ کاری را ندارند. با مثال ارمیا پسری بود که تنها در چند سایه گوسفند در سایه ای درختان زیتون مورد توجه قرار گرفت. پیامبران و دانشمندان بی شماری در مجاورت وی بودند که پیش نیازهای بهتری نسبت به او داشتند. خداوند این تمایل را برای افراد ضعیف در سراسر کتاب مقدس نشان داده است. موسی حتی نمی تواند به درستی به زبان عبری صحبت کند. و عیسی ۱۲ شاگرد را انتخاب کرد که همگی عجیب و غریب، بی سواد و سرسخت بودند. بنابراین آنها کسی را مخصوصاً در تاریخ جهانی نبودند.... و داستان خدا اینگونه ادامه دارد. بزرگترین میسیونر، پولس، قاتل مسیحی بود... آیا شما احساس ضعیف ذهنی یا جسمی هستید؟ آیا بی سواد هستید؟ آیا احساس بی ارزشی دارید؟ پس شما بهترین پیش نیازها را دارید تا ابزار خدا باشید، زیرا خداوند همیشه از افرادی مانند شما استفاده می کند؟ و او این کار را انجام می دهد زیرا این امر روشن می کند که خدا از طریق مردم کار می کند. و افرادی نیست که از طریق خدا کار می کنند تا دیگران را تسلط دهد..

از کجا می توانیم قدرت برای صحبت کردن و کار را بدست آوریم وقتی همه چیز با کار ما و باطل ما هست؟ در زمان ارمیا، خداوند کلمه را در دهان ارمیا قرار داده بود. این کلمه خود منبع قدرت بود. در آغاز خلقت، خداوند فرمود: "نور باشد" و این کلمه همان کلمه ای بود که خداوند در دهان ارمیا گذاشت. این همان کلمه ای بود که ۱۲ شاگردان از عیسی دریافت کردند. نور خدا در دلهايشان می سوزد و آنها آن را اعلام کردند. من قبلاً آن را گفتم: همه ما رسول و پیامبر نیستیم، اما ما سخنان آنها را داریم. با مثال در بستر مرگ یکی از اعضای جماعت، فهمیدم کلام خدا چه منبع قدرتی باشد. نفس هر پیرمردی مبارزه بود. بیماری او را به طور کامل بیرون آورده شده بود. او قدرتی نداشت و در آستانه مرگ بود، اما او بارها و بارها متن کتاب مقدس که در زمان تأیید شدنش از کلیسا گرفت را بر لب داشت و به همه ما شهادت داد: «ترسان مباش زیرا من با تو هستم، و هراسان مباش زیرا من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم کرد و یاری خواهم داد، و به دست راست عدالت خویش از تو حمایت خواهم نمود. آمین